



## نظام اجتماعی

### ۱. اتحاد و همبستگی

### ۲. آزادی انسان ها

امیرمؤمنان (ع) در خطبه ای می فرماید: خدا حضرت محمد (ص) را برانگیخت تا مردم را از بندگی بندگان خارج و آزاد کند و به پرستش خدا درآورد؛ همچنین میفرماید: بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است؛ نیز می فرماید: مردم همه آزاد آفریده شده اند.

امام صادق (ع) نیز فرمود: خدا همه کارهای مؤمن را به خود او واگذاشت؛ ولی به او اجازه ذلت و خواری نداد.

### حدود آزادی

حدود آزادی انسان در فکر و عمل را احکام شرع مانند مباح و مستحب و مکروه معین می کنند و در امور واجب یا حرام، آدمی مأمور به انجام وظایف دینی خود است. رسول خدا (ص) فرمود: همه امت من آزادند، جز آنان که آشکارا گناه می کنند. امیرمؤمنان (ع) نیز فرمود: بدترین والی و زمامدار کسی است که بی گناهان از او بترسند.

عبدالله بن قَعین ازدی گوید: خَرِیت بن راشد ناجی در صفین با حضرت امیرمؤمنان (ع) بود. او پس از جنگ همراه سی نفر از یارانش نزد حضرت آمد و گفت: (( نه، به خدا سوگند از فرمان تو اطاعت نمی کنم و پشت سرت نماز نمی گزارم و فردا از تو جدا می شوم...))؛ آن گاه بازگشت. من پشت سرش رفتم تا به خانه خود رفت و همان سخنان را در حضور دیگر یارانش نیز گفت. روز بعد نزد حضرت امیر (ع) رفتم و نزدیکش نشستم و آنچه شنیده بودم به او گفتم. آن حضرت (ع) فرمود: او را واگذار! اگر حق را پذیرفت و بازگشت از او می پذیرم. گفتم: ای امیرمؤمنان! چرا هم اکنون او را نمی گیری که از او پیمان بگیری؟ فرمود: اگر ما با هر کسی که مورد اتهام است چنین زندان ها از آنان پر می شود و رأی من این نیست که به مردم حمله و آنان را زندانی کنم و عقوبت دهم تا از عقیده باطلشان بازگردند و به من تمایل یابند.

آن حضرت درباره فرقه بنی ناجیه فرمود: من با صرف اتهام و بی تحقیق، کسی را دستگیر نمی کنم و با ظن و گمان کسی را کیفر نمی کنم و جز با کسی که با من مخالفت و آشکارا دشمنی کرده نمی جنگم؛ آن هم پس از اینکه او را دعوت و حجت را بر او تمام کنم. اگر از کارش دست برداشت و بازگشت ما هم از او می پذیریم و اگر جز به جنگ با ما تن نداد برای جنگ با او از خدا کمک می جوییم و با او می جنگیم.

برگرفته از مفاتیح الحیاة اثر آیه الة جوادی آملی

معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشکده فناوری های نوین پزشکی